آزمون وکالت کانون وکلای دادگستری

پاسخ تشریحی سؤالات
حقوق جزای عمومی و اختصاصی

۱۴۰۵



استاد مجید قاضی زاده

مدرس حقوق جزای عمومی و اختصاصی به شیوه رمزنگاری و تصویر سازی

مولف کتاب تسلط نامه حقوق جزا

مدرس پرجمعیت ترین کلاس های حقوقی ایران

تطبیق موضوعی ۹۰ درصد سؤالات حقوق جزا با کلاس‌های مفهومی، رمزنگاری و تصویرسازی داداستان

بررسی ۲۰ سؤال حقوق جزای عمومی و اختصاصی آزمون کانون وکلای دادگستری ۱۴۰۵ نشان می‌دهد که **موضوعات ۱۸ سؤال، معادل ۹۰ درصد آزمون، با مباحث تدریس‌شده در کلاس‌های داداستان تطبیق داشته‌اند.**

آموزش مفهومی، رمزنگاری، تصویرسازی ذهنی و تأکید بر مباحث سؤال‌خیز، از ویژگی‌های روش آموزشی داداستان است.

دادِستان، نمود تخصص در حوزه حقوق

پاسخنامه اساتید داداستان به سؤالات آزمون کانون وکلای دادگستری سال ۱۴۰۵ در درس جزا

حقوق جزای عمومی و اختصاصی | سؤالات ۸۱ تا ۱۰۰

تحلیل توزیع سؤالات بر اساس منابع قانونی

از مجموع ۲۰ سؤال حقوق جزای عمومی و اختصاصی آزمون وکالت ۱۴۰۵، تعداد سؤالات بر اساس منبع اصلی به شرح زیر است:

- **کتاب اول قانون مجازات اسلامی (کلیات و جزای عمومی): ۹ سؤال** ـ شماره‌های ۸۲، ۸۴، ۸۷، ۹۰، ۹۲، ۹۳، ۹۴، ۹۶ و ۹۸.
- **کتاب دوم قانون مجازات اسلامی (حدود): ۱ سؤال** ـ شماره ۸۳.
- **کتاب سوم قانون مجازات اسلامی (قصاص): ۲ سؤال** ـ شماره‌های ۹۷ و ۹۹.
- **کتاب چهارم قانون مجازات اسلامی (دیات): ۲ سؤال** ـ شماره‌های ۸۸ و ۱۰۰.
- **کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی (تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده): ۳ سؤال** ـ شماره‌های ۸۵، ۸۶ و ۹۱.
- **قوانین خاص کیفری: ۳ سؤال** ـ شماره‌های ۸۱، ۸۹ و ۹۵.

جمع کل: ۲۰ سؤال

تحلیل کوتاه داداستان

۱. کتاب اول قانون مجازات اسلامی با ۹ سؤال و سهم ۴۵ درصدی، بیشترین سهم را در آزمون داشته است.

۲. کتاب‌های دوم، سوم و چهارم مجموعاً ۵ سؤال، معادل ۲۵ درصد آزمون را به خود اختصاص داده‌اند.

۳. کتاب پنجم تعزیرات و قوانین خاص کیفری، هرکدام با ۳ سؤال، مجموعاً ۳۰ درصد سؤالات را تشکیل داده‌اند.

۴. سؤالات از مباحث متنوع و غالباً مبتنی بر جزئیات مواد قانونی، استثناها، شرایط مسئولیت کیفری و اصلاحات جدید قوانین طراحی شده‌اند.

۵. تأکید طراح بر تسلط دقیق بر نص قانون، به‌ویژه قیود و استثناهای قانونی، نشان می‌دهد حفظ کلیات بدون توجه به جزئیات برای پاسخ‌گویی به این آزمون کافی نیست.

توضیح: در این طبقه‌بندی، هر سؤال به منبع غالب آن منتسب شده است؛ برای مثال، سؤال ۹۴ با وجود ارتباط با حد زنا، به دلیل محوریت مقررات توبه در کتاب اول شمارش شده است. سؤال ۹۱ نیز با وجود ارتباط با قانون جرایم رایانه‌ای، به اعتبار مقررات مندرج در مجموعه تعزیرات، در گروه کتاب پنجم قرار گرفته است.

آزمون کانون گذشت؛ برای آزمون مرکز وکلا، هدفمندتر قدم بردارید!

حالا زمان آن است که تجربه آزمون گذشته را به فرصتی برای ادامه مسیر تبدیل کنید؛ تلاش‌هایتان را جدی بگیرید و برای فرصت پیش رو، با تمرکز و برنامه بیشتری آماده شوید.

کارگاه ویژه آزمون مرکز وکلا دادِستان فرصتی است تا ادامه این مسیر را آگاهانه‌تر دنبال کنید. اگر هدفتان قبولی در آزمون مرکز وکلاست، این قرار را در برنامه‌تان بگذارید.

۱۸ آبان، ساعت ۱۷

آنلاین؛ قابل شرکت از سراسر کشور

برای رزرو شرکت در کارگاه، عدد ۱۸ را به سامانه ۳۰۰۰۳۲ پیامک کنید.

دادِستان؛ همراه مسیر موفقیت شما

کسب ۵ رتبه یک

در آزمون وکالت سال ۱۴۰۴











- دارنده بالاترین تراز علمی آزمون وکالت در کل کشور
- **۲۸۱** رتبه تک‌رقمی و بیش از **۱۰ هزار** نفر قبولی در آزمون وکالت
- با حضور اساتید صاحب سبک حقوق ایران

دادِستان؛ مدرسه رتبه‌های یک وکالت ایران

dadestan.ir | 02191090200

پاسخنامه تشریحی و درسنامه داداستان

سؤال ۸۱ ـ عامل مشدده خاص جرم پولشویی

کدام‌یک از عوامل زیر، عامل مشدده خاص جرم پولشویی است؟

۱) وجود سابقه محکومیت به جرم پولشویی

۲) ارتکاب جرم به‌صورت سازمان‌یافته

۳) ارتکاب جرم اقتصادی به‌عنوان جرم منشأ

۴) ارتکاب جرم همراه با جرایم درجه یک تا سه

پاسخ: گزینه دو می‌باشد.

درسنامه داداستان

مستند قانونی: تبصره ۴ ماده ۹ قانون مبارزه با پولشویی، اصلاحی ۱۳۹۷.

مطابق تبصره ۴ ماده ۹ قانون مبارزه با پولشویی، در صورتی که جرم پولشویی به‌صورت سازمان‌یافته ارتکاب یابد، موجب تشدید مجازات به میزان یک درجه خواهد بود.

بنابراین، سازمان‌یافته بودن جرم پولشویی، عامل مشدده خاص این جرم محسوب می‌شود.

برای تشخیص صحیح گزینه‌ها باید میان عوامل مشدده عمومی و اختصاصی تفاوت قائل شد.

وجود سابقه محکومیت ممکن است در شرایط قانونی موجب اعمال مقررات تکرار جرم شود، اما عامل مشدده خاص مقرر در قانون مبارزه با پولشویی نیست.

همچنین ارتکاب جرم اقتصادی به‌عنوان جرم منشأ، به‌تنهایی موجب تحقق عامل مشدده سازمان‌یافتگی نمی‌شود.

بر اساس تبصره ۳ ماده ۹ نیز شخصی که مرتکب جرم منشأ و جرم پولشویی شده باشد، ممکن است بابت هر دو جرم مسئولیت کیفری داشته باشد؛ اما این موضوع با عامل مشدده خاص متفاوت است.

بنابراین، گزینه دوم صحیح است.

نکات کلیدی

۱. پولشویی از جرایمی است که ممکن است مستقل از ارتکاب جرم منشأ توسط همان شخص محقق شود.

۲. ارتکاب سازمان‌یافته پولشویی موجب تشدید مجازات به میزان یک درجه است.

۳. ارتکاب جرم منشأ و پولشویی توسط یک شخص می‌تواند موجب اعمال مجازات هر دو جرم شود.

۴. سازمان‌یافتگی با تعدد مرتکبان تفاوت دارد و باید شرایط قانونی آن احراز شود.

دام آزمونی

وجود سابقه محکومیت، ارتکاب جرم اقتصادی و ارتکاب جرم سازمان‌یافته، سه مفهوم متفاوت هستند.

در این سؤال، طراح عامل مشدده خاص را خواسته است؛ بنابراین نباید مقررات عمومی تکرار جرم را جایگزین حکم خاص تبصره ۴ ماده ۹ کرد.

تطبیق داداستان: این موضوع در کلاس حقوق جزا به شیوه مفهومی و رمزنگاری تدریس و تأکید شده است که قانون پولشویی سؤال‌خیز است.

سؤال ۸۲ ـ تکرار جرم

کدام مورد در خصوص تکرار جرم، صحیح است؟

۱) در تکرار جرم، امکان بهره‌مندی از تعلیق اجرای مجازات وجود دارد.

۲) تشدید مجازات در تکرار جرم، تنها مختص جرایم تعزیری است.

۳) تشدید کیفر به بیش از حداکثر مجازات قانونی جرم ارتکابی، در تکرار جرم الزامی است.

۴) امکان تخفیف در تکرار جرم در صورتی که جرم دوم، درجه یک تا سه باشد، وجود ندارد.

پاسخ: اولویت با گزینه یک می‌باشد، اما پاسخ اختلافی است.

درسنامه داداستان

مستند قانونی: مواد ۴۰، ۴۶، ۱۳۶، ۱۳۷ و ۱۳۹ قانون مجازات اسلامی.

بر اساس ماده ۱۳۷ اصلاحی ۱۳۹۹، در صورت تحقق شرایط تکرار جرم تعزیری، حداقل مجازات جرم جدید برابر میانگین حداقل و حداکثر مجازات قانونی آن جرم خواهد بود.

همچنین دادگاه می‌تواند مرتکب را تا یک‌چهارم بیش از حداکثر مجازات قانونی محکوم کند.

بنابراین، افزایش مجازات به بیش از حداکثر قانونی، اختیاری است و الزام قانونی ندارد.

از سوی دیگر، ماده ۴۶ قانون مجازات اسلامی تعلیق اجرای مجازات را در جرایم تعزیری درجه سه تا هشت، با وجود شرایط قانونی، پذیرفته است.

از دیدگاه طراح سؤال، تحقق تکرار جرم لزوماً به معنای ممنوعیت مطلق تعلیق اجرای مجازات نیست؛ هرچند در دیدگاه مخالف، مراد مقنن از ذکر عبارت «پس از اعاده حیثیت»، وجود محکومیت کیفری مؤثر است که طراح سؤال این دیدگاه را لحاظ نکرده است و سؤال اختلافی است. با این وجود، گزینه ۱ مرجح است.

گزینه دوم نادرست است؛ زیرا مقررات تکرار جرم تنها به تعزیرات محدود نیست و ماده ۱۳۶ درباره تکرار برخی جرایم حدی نیز حکم مقرر کرده است.

گزینه سوم نادرست است؛ زیرا افزایش مجازات به بیش از حداکثر قانونی، در ماده ۱۳۷ اختیاری است.

گزینه چهارم نیز نادرست است؛ زیرا ماده ۱۳۹ اصلاحی ۱۳۹۹، امکان اعمال تخفیف در تکرار جرایم تعزیری را پذیرفته است؛ مگر در مواردی که مرتکب دارای سه فقره محکومیت قطعی مشمول مقررات تکرار جرم یا بیشتر باشد.

نکات کلیدی

۱. تکرار جرم با تعدد جرم متفاوت است.

۲. در تکرار جرم تعزیری، وجود محکومیت قطعی سابق از شرایط اساسی است.

۳. افزایش حداقل مجازات در شرایط ماده ۱۳۷ الزامی است.

۴. تعیین مجازات تا یک‌چهارم بیش از حداکثر قانونی اختیاری است.

۵. در صورت وجود سه فقره محکومیت قطعی مشمول مقررات تکرار جرم یا بیشتر، تخفیف مجازات مطابق تبصره ماده ۱۳۹ ممنوع است.

تطبیق داداستان: موضوع تکرار جرم در کلاس حقوق جزا به شیوه مفهومی و رمزنگاری تدریس و تأکید شده است که بسیار سؤال‌خیز است.

DADESTAN

آزمون‌های مفهومی-مهارتی دادِستان

با بزرگ‌ترین جامعه آماری کشوری

سنجش علمی، مهارت آزمون‌دهی، تحلیل و اصلاح مسیر

سابقه بیش از ۹۱٪ شباهت با آزمون‌های وکالت سال‌های گذشته

همراه با مستندات تطبیق

حضوری و آنلاین در سراسر کشور

آزمون‌های مفهومی-مهارتی

طراحی توسط اساتید دانشگاه، وکلا و قضات؛ بودجه‌بندی و مرور مرحله‌ای، تمرین مدیریت زمان و تشخیص دام‌های تستی

آمایش‌ها؛ نقشه راه آمادگی

برنامه‌ریزی، روش مطالعه و مرور، تمرکز و حافظه، تکنیک‌های تست‌زنی و مدیریت جلسه آزمون

کارگاه‌های علمی-تخصصی

آموزش مباحث مهم و سؤال‌خیز حقوقی، رفع ابهام‌ها و بررسی آرای وحدت رویه جدید

کارگاه‌های گام

تحلیل سؤالات آزمون، بررسی پاسخ‌ها و نکات حقوقی برای یادگیری و رفع اشکالات

کارنامه آنی و تفصیلی

درصدها با احتساب نمره منفی؛ ۳۲ شاخص تحلیلی، تراز علمی، رتبه کشوری و مقایسه با نفرات برتر

هوشداد؛ دستیار هوش مصنوعی

تحلیل درس‌به‌درس کارنامه شناخت نقاط قوت و ضعف و تعیین اولویت‌های مطالعه

پاسخنامه تشریحی و گنجنامه

دفترچه سؤالات، پاسخنامه تشریحی و درسنامه‌های ۵۰۰ نکته‌ای برای ادامه یادگیری پس از آزمون

نیماد؛ خدمات یکپارچه

آزمون آنلاین، کارنامه‌ها، دانلود فایل‌ها و پشتیبانی؛ دسترسی به محتوای کارگاه‌ها مطابق دوره

هر آزمون، یک گام برای سنجش، یادگیری و پیشرفت

دادااِستان؛ نمود تخصص در حوزه حقوق

dadestan.ir | 02191090200

سؤال ۸۳ ـ قوادی از طریق سامانه رایانه‌ای

فردی با ایجاد سامانه رایانه‌ای، مشخصات افراد را گرفته و آنها را برای زنا به یکدیگر معرفی می‌کند. کدام مورد در خصوص این رفتار، صحیح است؟

۱) در صورتی که این معرفی منجر به تحقق زنا شود، فرد به مجازات قوادی محکوم می‌شود.

۲) به معاونت در جرم زنا محکوم می‌شود.

۳) تنها در صورتی که چند بار این عمل را انجام داده و منجر به تحقق زنا شود، محکوم به قوادی می‌شود.

۴) با توجه به ارتکاب جرم از طریق سامانه، در هیچ مورد محکوم به قوادی نشده و مجازات تعزیری دارد.

پاسخ: گزینه یک می‌باشد.

درسنامه داداستان

مستند قانونی: ماده ۲۴۲ و تبصره‌های آن از قانون مجازات اسلامی.

مطابق ماده ۲۴۲ قانون مجازات اسلامی، قوادی عبارت است از به هم رساندن دو یا چند نفر برای زنا یا لواط.

بر اساس تبصره نخست این ماده، حد قوادی منوط به تحقق زنا یا لواط است.

بنابراین، چنانچه شخصی از طریق سامانه رایانه‌ای، افراد را برای ارتکاب زنا به یکدیگر معرفی کند و زنا نیز محقق شود، رفتار او با عنوان قوادی قابل انطباق خواهد بود.

استفاده از ابزار رایانه‌ای، به‌تنهایی موجب خروج رفتار از عنوان قانونی قوادی نمی‌شود.

همچنین بر اساس تبصره دوم ماده ۲۴۲، تکرار عمل شرط تحقق جرم قوادی نیست.

در نتیجه، گزینه سوم که چند بار انجام شدن رفتار را شرط تحقق قوادی دانسته، نادرست است.

گزینه دوم نیز به دلیل وجود عنوان مجرمانه خاص قوادی، پاسخ مناسب این سؤال نیست.

نکات کلیدی

۱. قوادی، جرم مستقل حدی است.

۲. تحقق زنا یا لواط شرط اجرای حد قوادی است.

۳. تکرار عمل، شرط تحقق قوادی نیست.

۴. استفاده از فضای مجازی یا سامانه رایانه‌ای، به‌تنهایی موجب تغییر ماهیت رفتار نمی‌شود.

۵. باید میان قوادی، معاونت در زنا و جرایم رایانه‌ای مرتبط تفکیک کرد.

دام آزمونی

در این سؤال، طراح از سامانه رایانه‌ای برای ایجاد تردید میان جرم قوادی و جرایم رایانه‌ای استفاده کرده است.

ملاک اصلی، ماهیت رفتار و تحقق شرایط قانونی قوادی است، نه وسیله‌ای که برای به هم رساندن اشخاص استفاده شده است.

تطبیق داداستان: این موضوع در کلاس حقوق جزا به شیوه مفهومی و رمزنگاری تدریس و در قالب طنز بیان شده است که قواد باید تلاش کند دو طرف به هم برسند و اگر نه، هم شلاق تعزیری دارد و هم جزای نقدی!!!

سؤال ۸۴ ـ تخلف از اجرای مجازات تکمیلی

شخصی به دو سال مجازات تکمیلی منع اقامت در محل معین محکوم می‌شود و در مدت اجرا، مفاد حکم را رعایت نمی‌کند. دادگاه صادرکننده حکم برای تخلف بار اول، چه تصمیمی در خصوص وی اتخاذ می‌کند؟

۱) به پیشنهاد قاضی اجرای احکام، مدت مجازات تکمیلی را تا یک‌سوم افزایش می‌دهد.

۲) رأساً مدت مجازات تکمیلی را تا حداقل مقدار حبس مقرر در قانون برای جرم ارتکابی افزایش می‌دهد.

۳) مدت مجازات تکمیلی را یک‌سوم افزایش می‌دهد.

۴) به پیشنهاد قاضی اجرای احکام، مجازات تکمیلی را تبدیل به حبس می‌کند.

پاسخ: گزینه یک می‌باشد.

درسنامه داداستان

مستند قانونی: ماده ۲۴ قانون مجازات اسلامی.

مطابق ماده ۲۴ قانون مجازات اسلامی، چنانچه محکوم در مدت اجرای مجازات تکمیلی، مفاد حکم را رعایت نکند، دادگاه صادرکننده حکم به پیشنهاد قاضی اجرای احکام، برای بار نخست مدت مجازات تکمیلی را تا یک‌سوم افزایش می‌دهد.

در صورت تکرار تخلف، دادگاه باقی‌مانده مدت محکومیت را به حبس یا جزای نقدی درجه هفت یا هشت تبدیل می‌کند.

بنابراین، در این ماده دو مرحله متفاوت پیش‌بینی شده است.

مرحله نخست، مربوط به اولین تخلف از اجرای مجازات تکمیلی است که نتیجه آن افزایش مدت مجازات تکمیلی تا یک‌سوم خواهد بود.

مرحله دوم، مربوط به تکرار تخلف است که در آن، تبدیل باقی‌مانده مدت محکومیت مطرح می‌شود.

از سوی دیگر، تصمیم دادگاه در مرحله نخست به پیشنهاد قاضی اجرای احکام اتخاذ می‌شود.

بنابراین، گزینه سوم، با وجود اشاره به افزایش مدت مجازات تکمیلی، از جهت حذف شرط پیشنهاد قاضی اجرای احکام و بیان افزایش یک‌سوم به جای «تا یک‌سوم»، دقیق نیست.

نکات کلیدی

۱. مرجع تصمیم‌گیرنده، دادگاه صادرکننده حکم است.

۲. پیشنهاد قاضی اجرای احکام در ماده ۲۴ تصریح شده است.

۳. در تخلف نخست، افزایش مدت مجازات تکمیلی تا یک‌سوم است.

۴. در صورت تکرار تخلف، باقی‌مانده مدت محکومیت به حبس یا جزای نقدی درجه هفت یا هشت تبدیل می‌شود.

۵. پس از گذشت نیمی از مدت مجازات تکمیلی، امکان لغو یا کاهش آن با شرایط مقرر در ماده ۲۴ وجود دارد.

دام آزمونی

در این سؤال، تفاوت عبارت «یک‌سوم» و «تا یک‌سوم» بسیار مهم است.

همچنین نباید ضمانت اجرای تخلف نخست را با ضمانت اجرای تکرار تخلف اشتباه گرفت.

تطبیق داداستان: این موضوع در کلاس حقوق جزا به شیوه مفهومی و رمزنگاری تدریس و تأکید شده است؛ با تدریس رمز تکمیلی «افزایش تا ثلث و کاهش نیم».

طرح دانشیاری داداستان

برنامه‌ریزی و پیگیری اختصاصی برای آزمون وکالت



- برنامه‌ریزی اختصاصی
- معرفی منابع و روش مطالعه
- پیگیری و اصلاح برنامه
- تحلیل کارنامه آزمون

dadestan.ir

سؤال ۸۵ ـ شرطبندی بر نتیجه مسابقه فوتبال

«الف» و «ب» با یکدیگر در مورد نتیجه یک مسابقه فوتبال شرطبندی می‌کنند. کدام مورد در خصوص این رفتار، صحیح است؟

۱) اگر از طریق فضای مجازی این شرطبندی صورت گیرد، عمل جرم است و در غیر این صورت جرم نیست.

۲) اگر بنا بر آن باشد که عواید حاصل از شرطبندی به امور خیر یا خدمات عام‌المنفعه برسد، جرم نیست و در غیر این صورت جرم است.

۳) جرم و قابل کیفر است.

۴) فقط در صورتی که این شرطبندی تکرار شود، جرم است.

پاسخ: گزینه سه می‌باشد.

درسنامه داداستان

مستند قانونی: ماده ۷۰۵ جدید کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی، اصلاحی ۱۴۰۱.

مطابق ماده ۷۰۵ اصلاحی، قمار و شرطبندی در فضای حقیقی یا مجازی، در صورت تحقق شرایط قانونی، جرم محسوب می‌شوند.

در این ماده، مشارکت اشخاص در پیش‌بینی نتیجه یک موضوع خاص، در صورتی که بازنده ملزم به پرداخت وجه، مال، منفعت، خدمت یا امتیاز به برنده یا شخص ثالث باشد، مشمول عنوان شرطبندی خواهد بود.

بنابراین، شرطبندی بر نتیجه یک مسابقه فوتبال، در فرض وجود التزام مذکور، از مصادیق رفتار مجرمانه موضوع ماده ۷۰۵ است.

گزینه نخست نادرست است؛ زیرا قانون‌گذار میان فضای حقیقی و فضای مجازی از حیث اصل ممنوعیت تفاوتی قائل نشده است.

گزینه دوم نیز نادرست است؛ زیرا اختصاص عواید حاصل از شرطبندی به امور خیریه یا خدمات عام‌المنفعه، به‌تنهایی موجب خروج رفتار از عنوان قانونی جرم نمی‌شود.

گزینه چهارم نادرست است؛ زیرا تکرار شرطبندی شرط تحقق جرم نیست.

نکات کلیدی

۱. شرطبندی می‌تواند در فضای حقیقی یا مجازی واقع شود.

۲. برای تشخیص شرطبندی مجرمانه، وجود شرایط مقرر در ماده ۷۰۵ ضروری است.

۳. اختصاص عواید به امور خیریه، مجوز عمومی برای شرطبندی نیست.

۴. تکرار رفتار شرط تحقق جرم نیست.

۵. صرف پیش‌بینی نتیجه یک مسابقه، بدون التزام مقرر در قانون، لزوماً با شرطبندی مجرمانه یکسان نیست.

دام آزمونی

دو عبارت «فضای مجازی» و «امور خیریه» در گزینه‌های نادرست، با هدف انحراف داوطلب از تعریف قانونی شرطبندی آمده‌اند.

ملاک اصلی، تحقق شرایط ماده ۷۰۵ است.

تطبیق داداستان: این موضوع در کلاس حقوق جزا به شیوه مفهومی و رمزنگاری تدریس و تأکید شده است که مواد ۷۰۵ تا ۷۱۲ به جهت تغییرات جدید بسیار سؤال‌خیز هستند و مشابه این سؤال تدریس شده است.

سؤال ۸۶ ـ جرایم غیرقابل گذشت

کدام‌یک از جرایم زیر غیرقابل گذشت است؟

۱) افشای اسرار حرفه‌ای

۲) سرقت ساده

۳) سوءقصد به نماینده سیاسی کشور خارجی

۴) توهین به مأمور دولت

پاسخ: گزینه دو می‌باشد.

درسنامه داداستان

مستند قانونی: ماده ۱۰۴ قانون مجازات اسلامی، اصلاحی ۱۴۰۳/۰۲/۲۵؛ مواد ۵۱۶، ۵۱۷، ۶۰۹، ۶۴۸ و ۶۶۱ کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی.

این سؤال بر اصلاحیه سال ۱۴۰۳ ماده ۱۰۴ قانون مجازات اسلامی استوار است.

در قانون سابق، برخی از سرقت‌های تعزیری موضوع مواد ۶۵۶، ۶۵۷، ۶۶۱ و ۶۶۵، با وجود شرایطی از جمله ارزش مال و فقدان سابقه مؤثر کیفری، قابل گذشت محسوب می‌شدند.

با تصویب قانون اصلاح ماده ۱۰۴ در سال ۱۴۰۳، عبارت مربوط به این سرقت‌ها از ماده حذف شد.

بنابراین، سرقت ساده موضوع ماده ۶۶۱ در وضعیت قانونی حاکم بر آزمون سال ۱۴۰۵، غیرقابل گذشت محسوب می‌شود.

در مقابل، افشای اسرار حرفه‌ای موضوع ماده ۶۴۸ و توهین به مأمور دولت موضوع ماده ۶۰۹، همچنان در فهرست جرایم قابل گذشت قرار دارند.

در خصوص سوءقصد به نماینده سیاسی کشور خارجی نیز، مطابق مقررات خاص مواد ۵۱۶ و ۵۱۷، استرداد تقاضای اشخاص یا مراجع ذی‌حق در شرایط قانونی موجب موقوفی تعقیب خواهد شد.

بنابراین، گزینه دوم صحیح است.

نکات کلیدی

۱. اصلاحیه سال ۱۴۰۳ ماده ۱۰۴، وضعیت قابل گذشت بودن برخی سرقت‌ها را تغییر داده است.

۲. سرقت ساده موضوع ماده ۶۶۱، دیگر با شرایط سابق قانون سال ۱۳۹۹ قابل گذشت محسوب نمی‌شود.

۳. توهین به مأمور دولت موضوع ماده ۶۰۹، قابل گذشت است.

۴. افشای اسرار حرفه‌ای موضوع ماده ۶۴۸، قابل گذشت است.

۵. در جرایمی که قانون خاص درباره تقاضا و استرداد آن حکم مقرر کرده است، باید همان مقررات نیز بررسی شود.

دام آزمونی

مهم‌ترین دام این سؤال، استفاده از نسخه قدیمی ماده ۱۰۴ است.

داوطلبی که اصلاحیه سال ۱۴۰۳ را مطالعه نکرده باشد، ممکن است سرقت ساده را همچنان قابل گذشت تصور کند.

تطبیق داداستان: این موضوع در کلاس حقوق جزا به شیوه مفهومی و رمزنگاری تدریس و تأکید شده است که با اصلاح قانون، همه مصادیق جرایم سرقت و کلاهبرداری غیرقابل گذشت هستند.

سؤال ۸۷ ـ واکنش کیفری نسبت به دختر ۱۱ ساله

دختر ۱۱ ساله‌ای، مرتکب جرم تعزیری با مجازات ۱۵ تا ۲۰ سال حبس می‌شود. کدام مورد در خصوص واکنش‌دهی نسبت به او، صحیح است؟

۱) امکان تعویق صدور حکم نسبت به وی وجود ندارد، اما تعلیق اجرای مجازات ممکن است.

۲) به دلیل بالغ بودن، به مجازات قانونی جرم ارتکابی محکوم می‌شود.

۳) در صورت احراز رشد و کمال عقل، به مجازات قانونی جرم ارتکابی محکوم می‌شود اما امکان تخفیف مجازات وجود دارد.

۴) صدور حکم به نگهداری او در کانون اصلاح و تربیت الزامی است اما تبدیل این واکنش در مقام تخفیف ممکن است.

پاسخ: هیچ‌یک از گزینه‌ها صحیح نمی‌باشد.

درسنامه داداستان

مطابق ماده ۸۸ قانون مجازات اسلامی، واکنش قانونی نسبت به طفل ۱۱ ساله مرتکب جرم تعزیری، اقدامات تأمینی و تربیتی است. بنابراین، هر چهار گزینه سؤال به دلایل زیر نادرست‌اند:

گزینه اول: نادرست است؛ زیرا اقدامات تأمینی و تربیتی موضوع ماده ۸۸، مجازات قابل تعلیق محسوب نمی‌شوند. این موضوع در نظریات مشورتی شماره ۷/۱۴۰۱/۵۶۵ و ۷/۹۹/۶۳۱ اداره کل حقوقی قوه قضاییه نیز تأیید شده است.

گزینه دوم: نادرست است؛ زیرا بلوغ شرعی دختر ۱۱ ساله، موجب اعمال مجازات تعزیری بزرگسالان نمی‌شود و مقررات خاص ماده ۸۸ حاکم است.

گزینه سوم: نادرست است؛ زیرا احراز رشد و کمال عقل موضوع ماده ۹۱، مربوط به جرایم حدی و قصاص است و موجب اعمال مجازات تعزیری بزرگسالان نمی‌شود.

گزینه چهارم: نادرست است؛ زیرا مطابق تبصره ۱ ماده ۸۸، نگهداری در کانون اصلاح و تربیت موضوع بند «ث» صرفاً درباره اشخاص ۱۲ تا ۱۵ سال قابل اعمال است.

نتیجه: سؤال ۸۷ فاقد گزینه صحیح بوده و به دلیل مغایرت گزینه‌ها با مقررات قانونی، مستوجب ابطال است.

برای بررسی تفصیلی مستندات قانونی و نظریات مشورتی، به مقاله تحلیلی استاد مجید قاضی‌زاده در سایت داداستان به نشانی dadestan.ir مراجعه شود.

تطبیق داداستان: موضوع اطفال و نوجوانان در کلاس حقوق جزا به شیوه مفهومی و رمزنگاری به‌صورت نموداری تدریس و رمزهای «ث» و ... بیان شده و تأکید شده است که بسیار سؤال‌خیز است.

سؤال ۸۸ ـ افضای زوجه نابالغ

مردی دختر نابالغ را به عقد خود در می‌آورد. به دلیل مقاربت جنسی موجب افضای وی می‌شود. کدام مورد، صحیح است؟

۱) علاوه‌بر تمام مهر و دیه کامل زن، نفقه تا زمان فوت زوجه بر عهده زوج است.

۲) با توجه به رابطه زوجیت، مسئولیتی متوجه زوج نیست.

۳) علاوه‌بر تمام مهر و دیه کامل زن، نفقه تا زمان فوت زوجه بر عهده زوج است مگر اینکه طلاق واقع شود.

۴) علاوه‌بر تمام مهر و دیه کامل زن، نفقه تا زمان فوت یکی از زوجین بر عهده زوج است.

پاسخ: گزینه چهار می‌باشد.

درسنامه داداستان

مستند قانونی: بند «ب» ماده ۶۶۰ قانون مجازات اسلامی.

ماده ۶۶۰ قانون مجازات اسلامی درباره مسئولیت ناشی از افضای همسر احکام متفاوتی را مقرر کرده است.

مطابق بند «ب» این ماده، چنانچه همسر نابالغ باشد و افضاء بر اثر مقاربت جنسی واقع شود، شوهر مسئول پرداخت تمام مهر و دیه کامل زن خواهد بود.

علاوه بر این، نفقه زن تا زمان وفات یکی از زوجین بر عهده شوهر است؛ حتی اگر شوهر زن را طلاق داده باشد.

بنابراین، در فرض سؤال، سه اثر حقوقی وجود دارد:

نخست، پرداخت تمام مهر.

دوم، پرداخت دیه کامل زن.

سوم، پرداخت نفقه تا زمان وفات یکی از زوجین، حتی در صورت طلاق.

گزینه اول نادرست است؛ زیرا پایان مسئولیت پرداخت نفقه را صرفاً فوت زوجه دانسته است.

گزینه سوم نیز نادرست است؛ زیرا طلاق را موجب پایان تعهد نفقه معرفی کرده است.

گزینه دوم نیز به‌طور کلی مسئولیت شوهر را منتفی دانسته که برخلاف نص قانونی است.

نکات کلیدی

۱. افضاء در قانون مجازات اسلامی تعریف شده است.

۲. حکم افضای همسر نابالغ با افضای همسر بالغ متفاوت است.

۳. در فرض بند «ب» ماده ۶۶۰، تمام مهر و دیه کامل زن قابل مطالبه است.

۴. تعهد ویژه پرداخت نفقه با طلاق از بین نمی‌رود.

۵. پایان تعهد نفقه در این فرض، وفات یکی از زوجین است.

دام آزمونی

تفاوت عبارت «تا زمان فوت زوجه» با «تا زمان وفات یکی از زوجین» تعیین‌کننده است.

همچنین قانون‌گذار در این مورد، طلاق را موجب سقوط تعهد ویژه نفقه ندانسته است.

تطبیق داداستان: این موضوع در کلاس حقوق جزا به شیوه مفهومی و رمزنگاری تدریس نشده است و جزو موضوعات سؤال‌خیز معرفی نشده است.

سؤال ۸۹ ـ مجازات اسیدپاشی

کدام مورد در خصوص مجازات اسیدپاشی، صحیح است؟

۱) در صورت عدم اجرای قصاص به دلیل مصالحه با اولیای دم، فرد مشمول مجازات تعزیری مذکور در قانون مجازات اسلامی می‌شود.

۲) اعمال تعویق صدور حکم و تعلیق اجرای مجازات در خصوص اسیدپاشی ممنوع است ولی تخفیف و آزادی مشروط همواره نسبت به کیفر تعزیری قابل اعمال است.

۳) در تمامی موارد، اسیدپاشی علاوه‌بر تعزیر دارای کیفر قصاص نیز می‌باشد.

۴) اسیدپاشی ممکن است با توجه به شرایط و نتیجه جرم، مشمول مجازات افساد فی‌الارض شود.

پاسخ: گزینه چهار می‌باشد.

درسنامه داداستان

مستند قانونی: قانون تشدید مجازات اسیدپاشی و حمایت از بزه‌دیدگان ناشی از آن، مصوب ۱۳۹۸، به‌ویژه تبصره ۲ ماده ۱ و مواد ۲ و ۳؛ همچنین ماده ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی.

بر اساس تبصره ۲ ماده ۱ قانون تشدید مجازات اسیدپاشی، هرگاه اسیدپاشی مشمول مقررات ماده ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی باشد، رفتار مرتکب افساد فی‌الارض محسوب می‌شود.

بنابراین، ممکن است اسیدپاشی با توجه به شرایط و نتیجه جرم، تحت عنوان افساد فی‌الارض قرار گیرد.

البته صرف ارتکاب اسیدپاشی برای تحقق عنوان افساد فی‌الارض کافی نیست و باید شرایط مقرر در ماده ۲۸۶ احراز شود.

گزینه نخست نادرست است؛ زیرا در صورت عدم اجرای قصاص، قانون خاص اسیدپاشی در ماده ۲ مجازات‌های تعزیری متفاوتی از قانون مجازات اسلامی را بر اساس نتیجه جنایت پیش‌بینی کرده است.

گزینه دوم نیز نادرست است؛ زیرا ماده ۳ قانون خاص، اصل را بر ممنوعیت اعمال مقررات آزادی مشروط، تعلیق و تخفیف در جرایم موضوع این قانون و شروع به آن قرار داده است؛ مگر در مورد خاص گذشت بزه‌دیده یا اولیای دم نسبت به مجازات تعزیری که امکان تخفیف یک درجه فراهم می‌شود.

گزینه سوم نادرست است؛ زیرا قصاص در تمامی موارد اسیدپاشی قابل اجرا نیست.

نکات کلیدی

۱. قانون تشدید مجازات اسیدپاشی، قانون خاص است.

۲. اسیدپاشی ممکن است در شرایط قانونی مشمول افساد فی‌الارض شود.

۳. همه موارد اسیدپاشی مستوجب قصاص نیستند.

۴. در صورت عدم اجرای قصاص، مجازات تعزیری موضوع ماده ۲ قانون خاص قابل اعمال است.

۵. قانون‌گذار برای تخفیف، تعلیق و آزادی مشروط محدودیت‌های ویژه مقرر کرده است.

دام آزمونی

عبارات «همواره» و «در تمامی موارد» در گزینه‌های نادرست، اهمیت اساسی دارند.

همچنین نباید مجازات تعزیری اسیدپاشی را بدون توجه به قانون خاص، صرفاً بر اساس مقررات عمومی تعزیرات تعیین کرد.

تطبیق داداستان: این موضوع در کلاس حقوق جزا به شیوه مفهومی و رمزنگاری تدریس و تأکید شده است که قانون اسیدپاشی سؤال‌خیز است.

سؤال ۹۰ ـ مسئولیت کیفری شخص حقوقی

شخص حقوقی «الف» که ۶۰ درصد سهام آن متعلق به سازمان تأمین اجتماعی است و به امور بازرگانی اشتغال دارد، به اتهام یکی از جرایم گمرکی تحت تعقیب قرار می‌گیرد. کدام مورد، صحیح است؟

۱) به دلیل تعلق ۶۰ درصد سهام به تأمین اجتماعی، اعمال مجازات انحلال و مصادره اموال ممکن نیست.

۲) فقط صدور حکم به جزای نقدی برای شخص حقوقی ممکن است.

۳) به دلیل تعلق ۶۰ درصد سهام به تأمین اجتماعی، انتساب مسئولیت کیفری به شخص حقوقی وجود ندارد.

۴) در صورت وجود سایر شرایط قانونی، برای انتساب مسئولیت کیفری به شخص حقوقی منعی وجود ندارد.

پاسخ: گزینه چهار می‌باشد.

درسنامه داداستان

مستند قانونی: مواد ۲۰، ۲۲ و ۱۴۳ قانون مجازات اسلامی.

بر اساس ماده ۱۴۳ قانون مجازات اسلامی، اصل مسئولیت کیفری بر عهده شخص حقیقی است؛ بااین‌حال، شخص حقوقی نیز در شرایط مقرر قانونی دارای مسئولیت کیفری خواهد بود.

ملاک انتساب مسئولیت کیفری به شخص حقوقی آن است که نماینده قانونی شخص حقوقی به نام یا در راستای منافع آن مرتکب جرم شود.

همچنین در تبصره ماده ۲۰ مقرر شده است که مجازات‌های این ماده نسبت به اشخاص حقوقی دولتی یا عمومی غیردولتی، در مواردی که اعمال حاکمیت می‌کنند، اعمال نمی‌شود.

در فرض سؤال، شخص حقوقی به امور بازرگانی اشتغال دارد.

فعالیت بازرگانی، از مصادیق فعالیت‌های تصدی‌گری است و صرف تعلق ۶۰ درصد سهام شخص حقوقی به سازمان تأمین اجتماعی، به‌خودی‌خود موجب مصونیت از مسئولیت کیفری نمی‌شود.

بنابراین، در صورت وجود سایر شرایط قانونی، انتساب مسئولیت کیفری به شخص حقوقی ممکن است.

البته اعمال مجازات‌های مختلف ماده ۲۰، به‌ویژه انحلال و مصادره اموال، تابع شرایط اختصاصی ماده ۲۲ نیز خواهد بود.

نکات کلیدی

۱. قانون مجازات اسلامی مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی را پذیرفته است.

۲. انتساب مسئولیت کیفری به شخص حقوقی مستلزم شرایط ماده ۱۴۳ است.

۳. اعمال حاکمیت با فعالیت‌های تصدی‌گری متفاوت است.

۴. تعلق اکثریت سهام به یک نهاد عمومی، مصونیت مطلق کیفری ایجاد نمی‌کند.

۵. مجازات انحلال و مصادره کل اموال، شرایط خاص قانونی دارد.

دام آزمونی

وجود ۶۰ درصد سهام متعلق به سازمان تأمین اجتماعی، نباید داوطلب را به این نتیجه برساند که شخص حقوقی از هرگونه مسئولیت کیفری معاف است.

ملاک اصلی، ماهیت فعالیت و شرایط انتساب مسئولیت کیفری است.

تطبیق داداستان: این موضوع در کلاس حقوق جزا به شیوه مفهومی و رمزنگاری تدریس و تأکید شده است که از موضوع اشخاص حقوقی سؤال می‌آید.

سؤال ۹۱ ـ جرایم صرفاً عمدی

کدام جرم زیر تنها به‌صورت عمد قابل تحقق است؟

۱) اخذ وجه زیاده از مقررات قانونی توسط کارمند دولتی که مسئول وصول وجه به نفع دولت است.

۲) تخریب اسناد دولتی توسط مباشر ثبت و ضبط اسناد مذکور

۳) فراهم شدن موجبات دسترسی اشخاص فاقد صلاحیت به داده‌های سری مستند به عملکرد مأمور دولتی مسئول حفظ داده‌های سری که سامانه در اختیار اوست.

۴) عدم پالایش محتوای مجرمانه توسط ارائه‌دهندگان خدمات دسترسی پس از ابلاغ کارگروه تعیین مصادیق مجرمانه

پاسخ: گزینه یک می‌باشد.

درسنامه داداستان

مستند قانونی: مواد ۶۰۰ و ۵۴۴ کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی و مواد ۵ و ۲۱ قانون جرایم رایانه‌ای.

در حقوق کیفری، برای تحقق جرم عمدی، اصل بر ضرورت وجود عنصر روانی عمد است.

بااین‌حال، قانون‌گذار در برخی جرایم، مسئولیت کیفری ناشی از بی‌احتیاطی، بی‌مبالاتی یا اهمال را نیز پیش‌بینی کرده است.

ماده ۶۰۰ قانون مجازات اسلامی، ناظر به اخذ وجه یا مال برخلاف قانون یا بیش از مقررات قانونی توسط مأموران مسئول است و تحقق جرم موضوع آن، مستلزم احراز شرایط عمدی رفتار مجرمانه است.

در مقابل، ماده ۵۴۴ کتاب پنجم درباره مسئولیت اشخاص مرتبط با ثبت و ضبط یا نگهداری اسناد، در شرایط مقرر، ارتکاب ناشی از اهمال را نیز در بر می‌گیرد.

همچنین ماده ۵ قانون جرایم رایانه‌ای، در خصوص فراهم شدن دسترسی اشخاص فاقد صلاحیت به داده‌های سری، به موارد ناشی از بی‌احتیاطی، بی‌مبالاتی و رعایت نکردن تدابیر امنیتی نیز توجه کرده است.

در ماده ۲۱ قانون جرایم رایانه‌ای نیز برای برخی رفتارهای ناشی از بی‌احتیاطی یا بی‌مبالاتی ارائه‌دهندگان خدمات دسترسی، ضمانت اجرای کیفری مقرر شده است.

بنابراین، از میان گزینه‌های سؤال، گزینه نخست صحیح است.

نکات کلیدی

۱. عنصر روانی جرم ممکن است عمد یا تقصیر کیفری باشد.

۲. جرایم غیرعمدی صرفاً در موارد پیش‌بینی‌شده قانونی قابل مجازات هستند.

۳. ماده ۵۴۴ تعزیرات، ارتکاب ناشی از اهمال را نیز در شرایط قانونی پوشش می‌دهد.

۴. برخی جرایم رایانه‌ای ممکن است با بی‌احتیاطی یا بی‌مبالاتی نیز تحقق یابند.

۵. برای تشخیص عمدی یا غیرعمدی بودن جرم، باید متن ماده قانونی بررسی شود.

دام آزمونی

نباید صرفاً از عنوان یک جرم درباره عمدی بودن آن نتیجه گرفت.

ممکن است قانون‌گذار علاوه بر رفتار عمدی، ارتکاب ناشی از اهمال یا بی‌مبالاتی را نیز جرم‌انگاری کرده باشد.

تطبیق داداستان: همه گزینه‌های این سؤال در کلاس حقوق جزا به شیوه مفهومی و رمزنگاری تدریس نشده‌اند و تطبیق ندارد.

سؤال ۹۲ ـ شروع به جرم

کدام مورد در خصوص شروع به جرم، صحیح است؟

۱) محکومیت شخص حقوقی به جهت شروع به جرم ممکن است.

۲) در محکومیت به شروع به جرم، امکان تعیین مجازات تکمیلی وجود ندارد.

۳) شروع به جرم فقط در جرایم تعزیری محقق می‌شود.

۴) محکومیت به شروع به جرم، هیچ‌گاه مجازات تبعی ندارد.

پاسخ: گزینه یک اولویت انتخاب دارد.

درسنامه داداستان

مستند قانونی: مواد ۲۰، ۲۳، ۱۲۲، ۱۲۳ و ۱۴۳ قانون مجازات اسلامی.

بر اساس ماده ۱۲۲ قانون مجازات اسلامی، هرگاه شخص قصد ارتکاب جرمی داشته و شروع به اجرای آن کند، اما به دلیل عامل خارج از اراده وی جرم کامل نشود، در شرایط مقرر، شروع به جرم محقق خواهد شد.

از سوی دیگر، ماده ۱۴۳ مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی را پذیرفته است.

در صورتی که شرایط قانونی انتساب رفتار مجرمانه به شخص حقوقی وجود داشته باشد، امکان مسئولیت کیفری شخص حقوقی در مرحله شروع به جرم نیز منتفی نیست؛ لذا امکان اینکه شخص حقوقی مرتکب شروع به جرم گردد وجود دارد. امکان مجازات وی بر اساس ماده ۱۲۲ قانون مجازات پیش‌بینی نشده است؛ زیرا در ماده ۱۲۲ تنها جرایمی شروع به جرمشان مجازات دارد که مجازات قانونی آن جرم سلب حیات، حبس، قطع عضو و شلاق حدی باشد که هیچ‌کدام از این مجازات‌های قانونی برای شخص حقوقی متصور نیست. بنابراین، گزینه نخست اشکال دارد؛ مگر اینکه بگوییم مقصود طراح، امکان ارتکاب جرم توسط اشخاص حقوقی است!!!

یا اینکه به مواد دیگری خارج از قانون مجازات بپردازیم که اختلافی هستند.

و اما سایر گزینه‌ها قطعاً نادرست هستند.

گزینه دوم نادرست است؛ زیرا قانون‌گذار ممنوعیت مطلق تعیین مجازات تکمیلی را برای تمام موارد شروع به جرم مقرر نکرده است.

گزینه سوم نیز نادرست است؛ زیرا ماده ۱۲۲ درباره شروع به جرایمی که مجازات اصلی آنها سلب حیات، حبس دائم، قطع عضو یا شلاق حدی است نیز احکامی مقرر کرده است.

گزینه چهارم نیز به دلیل نفی مطلق مجازات تبعی نادرست است؛ زیرا آثار تبعی محکومیت باید بر اساس شرایط قانونی و نوع محکومیت بررسی شود.

نکات کلیدی

۱. شروع به جرم با عملیات مقدماتی متفاوت است.

۲. شروع به جرم مستلزم آغاز عملیات اجرایی است.

۳. توقف ارتکاب جرم باید ناشی از عامل خارج از اراده مرتکب باشد.

۴. در شرایط ماده ۱۲۲، شروع به جرم مجازات دارد.

دام آزمونی

عبارت «فقط در جرایم تعزیری» در گزینه سوم و عبارت «هیچ‌گاه» در گزینه چهارم، موجب نادرستی گزینه‌ها شده است.

تطبیق داداستان: موضوع شروع به جرم و مجازات‌های شخص حقوقی در کلاس حقوق جزا به شیوه مفهومی و رمزنگاری تدریس و تأکید شده است که بسیار سؤال‌خیز است.

سؤال ۹۳ ـ سردستگی گروه مجرمانه و شرکت در جرم

«الف» چهار نفر را برای ارتکاب جرمی با مجازات حبس ۲ تا ۵ سال، دعوت و به هر یک کاری را محول می‌کند. «الف» به همراه دو نفر از این افراد، جرم را مرتکب می‌شود. «الف» به کدام عنوان (عناوین) قابل تعقیب است؟

۱) سردسته گروه مجرمانه و مسبب جرم

۲) سردسته گروه مجرمانه و معاون در جرم

۳) سردسته گروه مجرمانه و شریک جرم

۴) مسبب و شریک جرم

پاسخ: گزینه سه می‌باشد.

درسنامه داداستان

مستند قانونی: مواد ۱۲۵ و ۱۳۰ قانون مجازات اسلامی.

مطابق تبصره نخست ماده ۱۳۰، گروه مجرمانه عبارت است از گروه نسبتاً منسجم متشکل از سه نفر یا بیشتر که برای ارتکاب جرم تشکیل شده یا هدف آن پس از تشکیل، به ارتکاب جرم تغییر یافته باشد.

بر اساس تبصره دوم همان ماده، سردستگی عبارت است از تشکیل، طراحی، سازماندهی یا اداره گروه مجرمانه.

در فرض سؤال، شخص «الف» چهار نفر را دعوت کرده و برای هر یک وظیفه‌ای تعیین کرده است.

بنابراین، در صورت احراز شرایط قانونی گروه مجرمانه، عنوان سردستگی قابل انتساب است.

از سوی دیگر، شخص «الف» به همراه دو نفر دیگر در عملیات ارتکاب جرم مشارکت کرده است.

مطابق ماده ۱۲۵ قانون مجازات اسلامی، اشخاصی که در عملیات اجرایی جرم شرکت کرده و جرم به رفتار آنان مستند باشد، شریک جرم محسوب می‌شوند.

بنابراین، شخص «الف» علاوه بر سردستگی گروه مجرمانه، شریک جرم نیز محسوب می‌شود.

گزینه دوم نادرست است؛ زیرا در فرض شرکت مستقیم در عملیات اجرایی، عنوان معاونت پاسخ مناسب نیست.

نکات کلیدی

۱. حداقل تعداد اعضای گروه مجرمانه سه نفر است.

۲. گروه باید از انسجام نسبی برخوردار باشد.

۳. تشکیل، طراحی، سازماندهی یا اداره گروه از مصادیق سردستگی است.

۴. شرکت در جرم مستلزم دخالت در عملیات اجرایی و استناد جرم به رفتار شرکا است.

۵. سردستگی و شرکت در جرم از نظر شرایط تحقق، دو عنوان متفاوت هستند.

دام آزمونی

دعوت دیگران به ارتکاب جرم، همواره به معنای معاونت در جرم نیست.

چنانچه شخص علاوه بر سازماندهی گروه، در عملیات اجرایی نیز مشارکت کند، عنوان شرکت در جرم نیز قابل بررسی خواهد بود.

تطبیق داداستان: این موضوع در کلاس حقوق جزا به شیوه مفهومی و رمزنگاری با رمز «ستاط سردستگی» تدریس و تأکید شده است که سؤال‌خیز است.

سؤال ۹۴ ـ تأثیر توبه در زنای به عنف

«الف» به دلیل ارتکاب زنای به عنف دستگیر می‌شود و در حین رسیدگی توبه می‌کند. ندامت وی برای قاضی احراز می‌شود. توبه وی چه تأثیری در حکم دارد؟

۱) توبه در این جرم موجب سقوط مجازات حدی می‌شود و مجازات دیگری ندارد.

۲) توبه بعد از دستگیری تأثیری در مجازات وی ندارد.

۳) توبه باعث سقوط مجازات اصلی می‌شود ولی به حبس یا شلاق تعزیری درجه ۶ یا هر دو محکوم می‌شود.

۴) توبه وی باعث سقوط مجازات اصلی می‌شود ولی به شلاق حدی محکوم می‌شود.

پاسخ: گزینه سه می‌باشد.

درسنامه داداستان

مستند قانونی: ماده ۱۱۴ و تبصره ۲ آن از قانون مجازات اسلامی.

مطابق ماده ۱۱۴ قانون مجازات اسلامی، در جرایم موجب حد به استثنای قذف و محاربه، اگر متهم پیش از اثبات جرم توبه کند و ندامت و اصلاح او برای قاضی احراز شود، حد از او ساقط می‌شود.

بااین‌حال، درباره زنای به عنف حکم خاصی وجود دارد.

مطابق تبصره ۲ ماده ۱۱۴، در زنا و لواطی که به عنف، اکراه یا اغفال بزه‌دیده انجام شده باشد، مرتکب در صورت توبه و سقوط مجازات حدی، به حبس یا شلاق تعزیری درجه شش یا هر دو محکوم می‌شود.

در فرض سؤال، با توجه به اینکه توبه در حین رسیدگی و پیش از اثبات جرم واقع شده و ندامت شخص برای قاضی احراز شده است، حکم تبصره دوم ماده ۱۱۴ قابل اعمال خواهد بود.

بنابراین، مجازات حدی ساقط می‌شود اما مرتکب از مجازات تعزیری معاف نخواهد شد.

گزینه اول به دلیل حذف مجازات تعزیری نادرست است.

گزینه دوم نیز نادرست است؛ زیرا صرف دستگیری مانع قانونی پذیرش توبه محسوب نمی‌شود.

گزینه چهارم نیز فاقد مستند قانونی است.

نکات کلیدی

۱. زمان توبه نسبت به زمان اثبات جرم اهمیت دارد.

۲. صرف ادعای توبه کافی نیست.

۳. ندامت و اصلاح مرتکب باید برای قاضی احراز شود.

۴. در زنای به عنف، سقوط حد در اثر توبه لزوماً موجب معافیت کامل از مجازات نیست.

۵. تبصره ۲ ماده ۱۱۴، مجازات تعزیری خاصی را مقرر کرده است.

دام آزمونی

دستگیری را نباید با اثبات جرم یکسان دانست.

همچنین نباید تصور کرد سقوط حد در اثر توبه در تمام جرایم موجب حد به معنای حذف کامل مجازات است.

تطبیق داداستان: این موضوع در کلاس حقوق جزا به شیوه مفهومی و رمزنگاری با رمز «تعوبه» تدریس و تأکید شده است که «در زنا و لواط به عنف توبه راه دارد، اما در تعزیرات منصوص شرعی راه ندارد!!»

سؤال ۹۵ ـ انتقال مال غیر

«الف»، مال «ب» را به‌عنوان مال متعلق به خود به «ج» معرفی کرده و آن را با تنظیم مبایعه‌نامه بین خود و «ج»، به وی منتقل می‌کند. کدام وصف زیر نسبت به رفتار مجرمانه او صحیح است؟

۱) کلاهبرداری و جعل

۲) معرفی مال غیر به‌عنوان مال خود و کلاهبرداری

۳) انتقال مال غیر

۴) انتقال مال غیر و جعل

پاسخ: گزینه سه می‌باشد.

درسنامه داداستان

مستند قانونی: ماده ۱ قانون مجازات راجع به انتقال مال غیر، مصوب ۱۳۰۸.

بر اساس قانون مجازات راجع به انتقال مال غیر، هر شخصی که با علم به تعلق مال به دیگری، بدون مجوز قانونی، عین یا منفعت آن را به دیگری منتقل کند، مشمول عنوان انتقال مال غیر خواهد بود.

در فرض سؤال، مال متعلق به شخص «ب» است.

شخص «الف» با علم به اینکه مالک مال نیست، آن را به‌عنوان مال خود به شخص «ج» منتقل می‌کند.

بنابراین، رفتار ارتکابی با عنوان انتقال مال غیر انطباق دارد.

در اینجا صرف تنظیم مبایعه‌نامه عادی و درج نام انتقال‌دهنده به‌عنوان فروشنده، موجب تحقق خودکار جرم جعل نیست.

برای تحقق جعل، باید عناصر مستقل قانونی آن وجود داشته باشد.

همچنین عنوان قانونی خاص انتقال مال غیر را نباید بدون وجود عناصر مستقل جرایم دیگر، به چند عنوان مجرمانه تجزیه کرد.

بنابراین، گزینه سوم صحیح است.

نکات کلیدی

۱. انتقال مال غیر ممکن است نسبت به عین یا منفعت مال واقع شود.

۲. علم انتقال‌دهنده به تعلق مال به دیگری اهمیت اساسی دارد.

۳. فقدان مجوز قانونی برای انتقال از شرایط تحقق جرم است.

۴. صرف تنظیم مبایعه‌نامه عادی توسط فروشنده غیرمالک، جعل محسوب نمی‌شود.

۵. جرم انتقال مال غیر با جرم معرفی مال غیر به عوض مال خود متفاوت است.

دام آزمونی

وجود مبایعه‌نامه به‌تنهایی موجب تحقق جرم جعل نیست.

همچنین نباید میان عنوان خاص انتقال مال غیر و جرایم دیگری که عناصر مستقل دارند، خلط کرد.

تطبیق داداستان: این موضوع در کلاس حقوق جزا به شیوه مفهومی و رمزنگاری تدریس و تأکید شده است که قانون انتقال مال غیر سؤال‌خیز است و مشابه این سؤال تدریس شده است.

سؤال ۹۶ ـ جرم محال حکمی و اشتباه موضوعی

«الف» با تصور اینکه حمل داروی معینی ممنوع است آن را در کیف خود حمل می‌کند، در حالی که قانون این رفتار را جرم نمی‌داند. «ب» دارویی را حمل می‌کند که حمل آن جرم است اما به دلیل اشتباه در ماهیت دارو، نمی‌داند موضوع رفتار وی همان داروی ممنوعه است. کدام مورد، صحیح است؟

۱) رفتار «الف» محال حکمی و رفتار «ب» نیز مشمول جهل موضوعی است و هیچ‌کدام جرم نیست.

۲) رفتار «الف» در حکم شروع به جرم است. جهل «ب» نیز در صورت تقصیری بودن قابل پذیرش نیست.

۳) هر دو به دلیل فقدان عنصر معنوی، از مجازات معاف هستند.

۴) به دلیل ارادی بودن رفتارها، «الف» و «ب» هر دو قابل مجازات هستند.

پاسخ: گزینه یک می‌باشد.

درسنامه داداستان

مستند قانونی: مواد ۲، ۱۲۲، ۱۴۴ و ۱۴۵ قانون مجازات اسلامی.

در این سؤال دو وضعیت متفاوت مطرح شده است.

وضعیت نخست: رفتار شخص «الف»

شخص تصور می‌کند حمل داروی معینی جرم است، در حالی که قانون چنین رفتاری را جرم‌انگاری نکرده است.

در این وضعیت، اساساً عنصر قانونی جرم وجود ندارد.

این حالت در حقوق کیفری، توهم جرم یا جرم محال حکمی نامیده می‌شود.

صرف تصور مجرمانه شخص نمی‌تواند رفتاری را که در قانون جرم نیست، به جرم تبدیل کند.

وضعیت دوم: رفتار شخص «ب»

در این فرض، حمل دارو در قانون جرم است، اما شخص به دلیل اشتباه در ماهیت دارو، از موضوع واقعی رفتار خود آگاهی ندارد.

مطابق ماده ۱۴۴ قانون مجازات اسلامی، در تحقق جرایم عمدی، علاوه بر قصد ارتکاب رفتار، علم به موضوع جرم نیز لازم است.

بنابراین، فقدان علم به ماهیت واقعی دارو ممکن است مانع تحقق عنصر روانی جرم عمدی شود.

البته این نتیجه ناظر به فرضی است که قانون، مسئولیت کیفری ناشی از تقصیر را به‌طور مستقل مقرر نکرده باشد.

گزینه دوم نادرست است؛ زیرا رفتار شخص «الف» به دلیل فقدان عنصر قانونی جرم، مشمول تبصره ماده ۱۲۲ درباره جرم غیرممکن به جهات مادی نیست.

نکات کلیدی

۱. جرم محال حکمی، مجازات ندارد.

۲. در جرم محال حکمی، عنصر قانونی جرم وجود ندارد.

۳. در جرم محال مادی، رفتار اصولاً مجرمانه است اما تحقق نتیجه به دلیل مانع مادی امکان‌پذیر نیست.

۴. اشتباه موضوعی ممکن است عنصر روانی جرم عمدی را منتفی کند.

۵. اشتباه موضوعی و جهل به حکم قانون دو مفهوم متفاوت هستند.

دام آزمونی

نباید صرف وجود قصد مجرمانه در ذهن شخص را برای تحقق جرم کافی دانست.

همچنین در جرایم عمدی، علم به موضوع جرم از شرایط مهم تحقق عنصر روانی است.

تطبیق داداستان: جهل موضوعی و جهل حکمی در کلاس حقوق جزا به شیوه مفهومی و رمزنگاری تدریس و تأکید شده است که سؤال‌خیز است.

DADESTAN

سؤال ۹۷ ـ اکراه به انجام رفتار خطرناک

«الف»، «ب» را اکراه به پایین رفتن از چاه عمیق می‌کند و «ب» هنگام پایین رفتن، درون چاه سقوط کرده و فوت می‌کند. کدام مورد، صحیح است؟

۱) اگر «ب» عاقل و بالغ باشد، مسئولیتی متوجه «الف» نیست.

۲) در صورتی که «الف» قصد ایراد جنایت داشته باشد، به قصاص محکوم می‌شود.

۳) همواره به قصاص محکوم می‌شود.

۴) همواره به حبس ابد محکوم می‌شود.

پاسخ: گزینه دو می‌باشد.

درسنامه داداستان

مستند قانونی: ماده ۳۷۹ قانون مجازات اسلامی.

ماده ۳۷۹ قانون مجازات اسلامی درباره اکراه شخص به انجام رفتاری که موجب جنایت بر خود او می‌شود، حکم خاصی مقرر کرده است.

بر اساس این ماده، چنانچه شخصی دیگری را به رفتاری اکراه کند که موجب جنایت بر شخص اکراه‌شونده شود، جنایت عمدی محسوب شده و اکراه‌کننده قصاص خواهد شد؛ مگر اینکه شرایط استثنایی مقرر در قانون احراز شود.

در صورتی که اکراه‌کننده قصد جنایت نداشته و از اینکه اکراه نوعاً موجب وقوع جنایت می‌شود نیز آگاه نبوده باشد، جنایت شبه‌عمدی محسوب شده و اکراه‌کننده مسئول پرداخت دیه خواهد بود.

در فرض سؤال، شخص «الف» دیگری را به پایین رفتن از چاه عمیق اکراه کرده و شخص اکراه‌شونده در نتیجه سقوط فوت کرده است.

اگر «الف» قصد ایراد جنایت داشته باشد و سایر شرایط قصاص نیز وجود داشته باشد، قصاص قابل اعمال خواهد بود.

بنابراین، گزینه دوم صحیح است.

گزینه نخست نادرست است؛ زیرا عقل و بلوغ اکراه‌شونده به‌تنهایی موجب رفع مسئولیت اکراه‌کننده نیست.

گزینه سوم نیز به دلیل مطلق دانستن قصاص نادرست است.

گزینه چهارم نیز برخلاف حکم خاص ماده ۳۷۹ است.

نکات کلیدی

۱. اکراه بر قتل دیگری با اکراه شخص به انجام رفتار خطرناک علیه خود او متفاوت است.

۲. ماده ۳۷۹ حکم خاص این وضعیت را بیان می‌کند.

۳. قصد ایراد جنایت در تشخیص عمد اهمیت دارد.

۴. آگاهی به خطر نوعی رفتار نیز در تعیین نوع جنایت مؤثر است.

۵. در فرض تحقق جنایت شبه‌عمدی موضوع ماده ۳۷۹، مسئولیت پرداخت دیه مطرح می‌شود.

دام آزمونی

این سؤال درباره اکراه بر قتل شخص ثالث نیست.

موضوع، اکراه فرد به رفتاری است که موجب جنایت بر خود او می‌شود و باید بر اساس ماده ۳۷۹ بررسی شود.

تطبیق داداستان: موضوع اکراه در کلاس حقوق جزا به شیوه مفهومی و رمزنگاری تدریس و تأکید شده است.

سؤال ۹۸ ـ تعدد شکات و گذشت مشروط

فردی در یک تماس تلفنی با «الف»، مبادرت به توهین به او و ۵ نفر دیگر می‌کند. همگی مبادرت به شکایت می‌کنند. کدام مورد، صحیح است؟

۱) در صورت گذشت مشروط و معلق اکثریت شکات، تعقیب و رسیدگی متوقف می‌شود تا وضعیت شرط یا معلق‌علیه مشخص شود.

۲) شروع به رسیدگی با شکایت همگی شکات ممکن است و در صورت گذشت همگی، توقف تعقیب و رسیدگی منوط به نظر مقام قضایی صالح است.

۳) در صورت گذشت «الف» تعقیب و رسیدگی موقوف می‌شود.

۴) در صورت گذشت مشروط هر ۶ نفر، رسیدگی ادامه می‌یابد اما اجرای مجازات منوط به عدم تحقق شرط است.

پاسخ: گزینه چهار می‌باشد.

درسنامه داداستان

مستند قانونی: مواد ۱۰۰، ۱۰۱، ۱۰۲ و ۱۰۴ قانون مجازات اسلامی.

جرم توهین موضوع ماده ۶۰۸ کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی، از جرایم قابل گذشت است.

در این سؤال، دو موضوع مهم مطرح شده است:

نخست، تعدد شکات.

دوم، گذشت مشروط یا معلق.

مطابق ماده ۱۰۲ قانون مجازات اسلامی، در صورت تعدد متضرران از جرم، تعقیب جزایی با شکایت هر یک از آنان آغاز می‌شود.

اما موقوفی تعقیب، رسیدگی و اجرای مجازات، منوط به گذشت تمام کسانی است که شکایت کرده‌اند.

بنابراین، گذشت یکی از شکات یا اکثریت آنان برای موقوفی تعقیب کافی نیست.

از طرف دیگر، مطابق ماده ۱۰۱، گذشت باید منجز باشد و گذشت مشروط یا معلق زمانی مؤثر است که شرط یا معلق‌علیه تحقق پیدا کند.

بر اساس تبصره نخست ماده ۱۰۱، گذشت مشروط یا معلق مانع تعقیب، رسیدگی و صدور حکم نیست؛ اما اجرای مجازات در جرایم قابل گذشت، منوط به عدم تحقق شرط یا معلق‌علیه است.

بنابراین، در فرض گذشت مشروط تمامی شکات، رسیدگی ادامه می‌یابد و وضعیت اجرای مجازات تابع حکم مقرر در ماده ۱۰۱ خواهد بود.

نکات کلیدی

۱. در جرایم قابل گذشت، شکایت یکی از بزه‌دیدگان برای آغاز تعقیب کافی است.

۲. در صورت تعدد شکات، موقوفی تعقیب به گذشت تمامی شکایت‌کنندگان وابسته است.

۳. گذشت منجز با گذشت مشروط متفاوت است.

۴. گذشت مشروط یا معلق مانع تعقیب، رسیدگی و صدور حکم نیست.

۵. اثر گذشت مشروط در مرحله اجرای مجازات تابع تبصره نخست ماده ۱۰۱ است.

دام آزمونی

نباید اکثریت شکات را جایگزین تمام شکات دانست.

همچنین گذشت مشروط، اثر فوری و کامل گذشت منجز را ندارد.

تطبیق داداستان: اهمیت ماده ۱۰۴ و سایر مواد موضوع گذشت و به‌ویژه گذشت مشروط و معلق در کلاس حقوق جزا به شیوه مفهومی و رمزنگاری تدریس و تأکید شده است که سؤال‌خیز است.

سؤال ۹۹ ـ ارتکاب جنایت در حال مستی

ارتکاب جنایت در حال مستی در کدام حالت مستوجب دیه و تعزیر است؟

۱) مرتکب علم داشته است که مستی وی نوعاً موجب ارتکاب آن جنایت می‌شود.

۲) مرتکب مسلوب‌الاختیار بوده و قبلاً هم خود را برای جنایت مست نکرده باشد.

۳) مرتکب بدون علم به مسکر بودن، اقدام به شرب خمر کرده و پیش از مسلوب‌الاختیار شدن مرتکب جنایت عمدی شده باشد.

۴) مرتکب خود را برای ارتکاب جنایت مست کرده اما در زمان جنایت، مسلوب‌الاختیار باشد.

پاسخ: گزینه دو می‌باشد.

درسنامه داداستان

مستند قانونی: ماده ۳۰۷ قانون مجازات اسلامی.

مطابق ماده ۳۰۷ قانون مجازات اسلامی، ارتکاب جنایت در حال مستی یا عدم تعادل روانی ناشی از مصرف مواد مخدر، روان‌گردان و مانند آنها، اصولاً موجب قصاص است.

اما اگر ثابت شود مرتکب در اثر مستی یا عدم تعادل روانی، به‌طور کامل مسلوب‌الاختیار بوده است، در شرایط قانونی، قصاص منتفی شده و مرتکب علاوه بر پرداخت دیه، به مجازات تعزیری مقرر در کتاب پنجم محکوم می‌شود.

بااین‌حال، قانون‌گذار دو استثنا مقرر کرده است.

نخست، حالتی که شخص پیشاپیش خود را برای ارتکاب جنایت مست کرده باشد (مستی عامدانه).

دوم، حالتی که شخص آگاه بوده باشد مستی او نوعاً موجب ارتکاب آن جنایت یا جنایتی نظیر آن می‌شود.

در هر دو وضعیت، جنایت عمدی محسوب خواهد شد.

در گزینه نخست، مرتکب از خطر نوعی مستی آگاه بوده است.

در گزینه چهارم نیز شخص خود را به قصد ارتکاب جنایت مست کرده است.

بنابراین، این دو گزینه مشمول حکم عمد هستند.

در گزینه سوم نیز شخص پیش از مسلوب‌الاختیار شدن مرتکب جنایت عمدی شده است.

اما در گزینه دوم، با فرض فقدان اختیار کامل و نبود سایر شرایط استثنایی مربوط به عمد، حکم دیه و تعزیر قابل اعمال است.

نکات کلیدی

۱. مستی به‌تنهایی موجب سقوط قصاص نیست.

۲. مسلوب‌الاختیار بودن کامل باید احراز شود.

۳. مست کردن با هدف ارتکاب جنایت مانع نفی عمد خواهد بود.

۴. علم به اینکه مستی نوعاً موجب وقوع جنایت می‌شود نیز موجب عمدی محسوب شدن جنایت است.

۵. ماده ۳۰۷ میان مستی معمولی و سلب کامل اختیار تفاوت قائل شده است.

دام آزمونی

عبارت «مسلوب‌الاختیار» تعیین‌کننده است، اما به‌تنهایی کافی نیست.

باید علاوه بر آن، نبود قصد پیشینی ارتکاب جنایت و نبود آگاهی خاص مقرر در قسمت پایانی ماده ۳۰۷ نیز احراز شود.

تطبیق داداستان: این موضوع در کلاس حقوق جزا به شیوه مفهومی و رمزنگاری به‌صورت نموداری (مستی تعمدی و مستی غیرتعمدی) تدریس و تأکید شده است.

سؤال ۱۰۰ ـ شرکت در جنایت

کدام مورد از مصادیق شرکت در جنایت است؟

۱) در اجتماع اسباب طولی، همگی مرتکبان دارای قصد جنایت باشند.

۲) در صورتی که سبب عاقل و بالغ، مباشر مجنون را اکراه به جنایت نماید.

۳) در اجتماع اسباب طولی، عمل تمامی اسباب غیرمجاز باشد.

۴) در اجتماع دو سبب عرضی، یک سبب فاقد عنصر روانی باشد.

پاسخ: گزینه‌های یک و چهار قابل پذیرش می‌باشند.

درسنامه داداستان

مستند قانونی: مواد ۱۲۵، ۲۹۲، ۳۶۹، ۵۳۳ و ۵۳۵ قانون مجازات اسلامی.

گزینه اول: مطابق قسمت پایانی ماده ۵۳۵ قانون مجازات اسلامی، در اجتماع اسباب طولی، چنانچه تمامی اسباب قصد ارتکاب جنایت داشته باشند، با تحقق سایر شرایط قانونی، رفتار آنان شرکت در جرم محسوب می‌شود. بنابراین، گزینه اول صحیح است.

گزینه چهارم: مطابق ماده ۳۶۹ قانون مجازات اسلامی، جنایت ممکن است نسبت به هر یک از شرکا عمدی، شبه‌عمدی یا خطای محض باشد. همچنین ماده ۵۳۳، شرکت در تسبیب را در صورت استناد جنایت به رفتار تمامی اسباب پذیرفته است.

بنابراین، در اجتماع اسباب عرضی، فقدان قصد جنایت یا تقصیر کیفری در یکی از اسباب، در فرض تحقق جنایت خطای محض، لزوماً مانع تحقق شرکت در جنایت نیست. ازاین‌رو، گزینه چهارم نیز با احراز شرایط قانونی شرکت در تسبیب، قابل پذیرش است.

نکته کلیدی و دام آزمونی

شرکت در جنایت منحصر به جرایم عمدی نیست و وحدت عنصر روانی شرکا نیز شرط ضروری آن محسوب نمی‌شود. مطابق ماده ۳۶۹، نوع جنایت نسبت به هر یک از شرکا می‌تواند متفاوت باشد.

نتیجه

سؤال ۱۰۰ به دلیل قابلیت پذیرش دو گزینه اول و چهارم، دارای ایراد در طراحی است. شایسته است سازمان سنجش هر دو گزینه را صحیح تلقی کرده و امتیاز سؤال را برای انتخاب‌کنندگان هر یک منظور کند.

برای مطالعه مستندات قانونی، نظریات مشورتی و تحلیل تفصیلی موضوع، به مقاله استاد مجید قاضی‌زاده درباره سؤال ۱۰۰ آزمون وکالت ۱۴۰۵ در سایت داداستان به نشانی dadestan.ir مراجعه کنید.

تطبیق داداستان: این موضوع در کلاس حقوق جزا به شیوه مفهومی و رمزنگاری با رمزهای «عرسی و طوری» تدریس و تأکید شده است که بسیار سؤال‌خیز است.

جمع‌بندی نهایی داداستان

بررسی ۲۰ سؤال حقوق جزای عمومی و اختصاصی آزمون کانون وکلای دادگستری ۱۴۰۵ نشان می‌دهد طراح آزمون، بیش از حفظ تعاریف و مفاهیم کلی، بر قدرت تشخیص مقررات خاص، استثناهای قانونی و تفاوت‌های ظریف میان نهادهای حقوق کیفری تأکید داشته است.

به‌ویژه نوآوری های قانون مجازات، قانون کاهش حبس تعزیری و اصلاحات ماده ۱۰۴ و سایر مواد، مباحث تکرار جرم، مجازات‌های تکمیلی، مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی، جرایم قابل گذشت، جرایم رایانه‌ای و قوانین خاص کیفری، نیازمند مطالعه دقیق متن مواد قانونی و اصلاحات آنها هستند.

ملاحظه علمی و آموزشی داداستان: پاسخ‌های این مجموعه، پاسخ‌های تحلیلی پیشنهادی هستند و جایگزین کلید رسمی سازمان برگزارکننده آزمون نیستند.

دادستان
DADESTAN

ویژه آزمون مرکز وکلای قوه قضائیه

دوره سرعت

۶۰ ساعت تدریس
نکته و تست

کارگاه برنامه‌ریزی
برای قبولی
(به صورت هدیه)

۲ مرحله
آزمون جامع +
۴ مرحله فایل
سؤال و درسنامه

با تدریس
اساتید صاحب
سبک

۵ مرحله
کارگاه علمی
تخصصی

۵ مرحله
کارگاه تحلیل
سؤالات

۷ مرحله
آمایش





عناوین درسی که در **دوره سرعت** تدریس می‌شود:

حقوق مدنی
۸ ساعت تدریس
استاد محمد نکویی

متون فقه
۲۰ ساعت تدریس
استاد محمدرضا مروارید

حقوق جزا
۴ ساعت تدریس
استاد مجید قائمی‌زاده

آیین دادرسی کیفری
۴ ساعت تدریس
استاد سیدحمید شاهچراغ

حقوق ثبت
۱۳ ساعت تدریس
استاد مسعود باوری

حقوق تجارت
۴ ساعت تدریس
استاد احمد حیدری

حقوق اساسی
۳ ساعت تدریس
استاد مسعود باوری

آیین دادرسی مدنی
۴ ساعت تدریس
استاد سیدمجید حسینی